



بررسی حقوق کیفری رقابت از منظر قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی

ابوالفتح خالقی*

حجت الله رشنوادی**

چکیده

توسعه همه جانبه کشورها، بدون وجود نظام اقتصادی کارآمد ناممکن است. در تدوین برنامه اقتصادی پیشرو که تضمین کننده توسعه فراگیر جامعه انسانی شمرده می شود، شرط اساسی، وجود رقابت سالم بین فعالان و بنگاه ها خواهد بود. برای تأمین سلامت فعالیت اقتصادی رقابت پذیر، توصیه اکثر کارشناسان علوم اقتصادی، سپردن عرصه فعالیت به بخش خصوصی است. تغییر سیستم و نظام اقتصادی از دولتی به غیردولتی، با هدف سامان بخشی به سیاست های اقتصادی و اصلاح آن ها صورت می گیرد، این تغییر جهت گیری که موجب تحرک بخشی به فعالیت اقتصادی و پیشبرد آن می شود، اصطلاحاً، خصوصی سازی تعبیر می گردد. اعمال برنامه خصوصی سازی، به مفهوم کاهش حجم تصدی گری دولت در فعالیت های اقتصادی هم زمان با افزایش نظارت بر این فعالیت ها با هدف افزایش رقابت و بهبود کارایی نهادهای اقتصادی است. برای ۴ نیل به این سیاست جدید اقتصادی، دو گام اساسی باید برداشته شود: نخست تصویب قانون، اذن واگذاری بنگاه های اقتصادی موجود از مالکیت دولت به بخش غیردولتی، دوم، قانون گذار با پیش بینی ضمانت اجرای مناسب از جمله ضمانت اجرای کیفری، به سلامت فعالیت رقابت پذیر مساعدت کند. این دو مرحله در قانون اصلاح موادی از برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۷ به انجام رسید. در این قانون، شورای رقابت پیش بینی گردیده و برخی از اقدامات مخل رقابت جرم انگاری شده اند.

واژگان کلیدی: اصل ۴۴، خصوصی سازی، رقابت، جرم اقتصادی.

*. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم Email: ab-khaleghi@qom.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی (مستول مقاله) Email: rashnavadi_h@yahoo.com



درآمد

توسعه اقتصادی، به معنای تحول و دگرگونی در ساختار اقتصادی-اجتماعی، به منظور ارتقای کیفیت زندگی در سطحی فراگیر، مطلوب همه جوامع انسانی است. اما دستیابی به بهترین شیوه مدیریت اقتصادی، مشکل اساسی مدیران جامعه به حساب می‌آید. سرمایه‌داری محض و اقتصاد متمرکز، دو حد نهایی دیدگاه‌های نظری در این زمینه هستند. موضوع تعیین حد مطلوب دخالت دولت یا بازار (اقتصاد رقابتی) در فرایند توسعه اقتصادی، از ابعاد مختلف مطرح شده و در بوته آزمایش قرار گرفته است. از جمله مشکلات عمده در روند توسعه اقتصادی کشورها، گرایش به هر یک از دو حد نهایی دخالت حاکمیت و یا بازار بوده است. در کشور ما، نظام اقتصادی سه‌گانه پیش‌بینی شده است. قانون اساسی که مهم‌ترین سند حقوقی و پایه‌گذار بنیان‌های کلی نظام اقتصادی به شمار می‌آید، علاوه بر مقدمه ۱ که تصویری نسبتاً جامع از رویکرد اقتصادی جمهوری اسلامی را ترسیم کرده، اصل ۲۴۴ نیز به صراحت، بر تثلیث ساختار اقتصادی کشور با محوریت اقتصاد دولتی، تعاونی و

۱. اقتصاد وسیله است نه هدف. در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه هم‌چون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود. ولی اقتصاد، در اسلام وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است.

۲. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، با برنامه ریزی منظم و درست استوار است. بخش دولتی، تمام صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه آهن و مانند این‌ها را شامل می‌گردد که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی، شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.





تعاونی و خصوصی اذعان دارد. در این اصل، ضمن تعیین وجوه سه گانه اقتصاد، حدود و ثغور هر یک از ارکان را احصا نموده و امکان فعالیت بخش‌های مزبور را مشخص کرده است. بدین ترتیب که در صدر اصل ۴۴، ابتدا فعالیت‌های اقتصادی معرفی شده‌اند که منحصراً مالکیت آن‌ها را در اختیار دولت یا بخش دولتی قرار داده است. بنابراین بخش‌های تعاونی و خصوصی، مجاز به مداخله در فعالیت‌های صدر اصل مذکور نیستند. فعالیت بخش خصوصی، در پایان همین اصل پذیرفته شده است. دامنه فعالیت بخش خصوصی در عرصه کشاورزی، دام‌داری، صنعت، تجارت و خدمات، به عنوان مکمل دو بخش دیگر تعریف شده است.

با توجه به رویکرد اقتصادی پذیرفته شده در اصل ۴۴ قانون اساسی، مبنی بر محوریت بخش دولتی در پیکره اقتصاد، قسمت اعظم صنایع و فعالیت‌های عمده در اختیار دولت قرار گرفت و دولت به بنگاه بزرگ اقتصادی مبدل گشت. تبدیل دولت به کارفرمای عمده، به تدریج موجب گردید تا نقش تصدی‌گری دولت روز به روز افزایش یابد؛ به نحوی که سهم زیادی از بازار و اقتصاد را به خود اختصاص دهد. حجم شدن فعالیت اقتصادی بخش دولتی تا آن‌جا پیش رفت که به یک عارضه و نارسایی نظام اقتصادی مبدل گشت. فربه‌شدن اقتصادی دولت، کم‌حرکی و ناکارآمدی آن را سبب گردید و کارشناسان علوم اقتصادی و مسئولان، درمان این بیماری را در کاستن از حجم فعالیت و سبک کردن تصدی‌گری دولت در بخش اقتصاد با حفظ نقش حاکمیتی و نظارتی آن دانستند. برای اجرای این سیاست درمان اقتصادی، مناسب‌ترین شیوه، واگذاری سهام دولت به بخش خصوصی و پیش‌گیری

بخش خصوصی، آن قسمت از کشاورزی، دام‌داری، صنعت، تجارت و خدمات را شامل می‌گردد که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و رشد و توسعه اقتصادی کشور را گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.





از شروع فعالیت جدید بخش دولتی بود. ولی توسل به این شیوه درمانی، در ابتدا با یک مانع اساسی روبه‌رو گردید. این مانع در سیاست کلان اقتصادی کشور نهفته بود. رویکرد کلی اقتصاد کشور که در اصل ۴۴ قانون اساسی ترسیم شده، به اصلاح و بازنگری نیاز داشت تا راه برای اعمال اقدامات درمانی فراهم شود. بدین منظور، از مجمع تشخیص مصلحت نظام کمک گرفته شد که طبق قانون اساسی (اصول ۱۱۰ و ۱۱۲)، موظف به گره‌گشایی از معضلات کشور در زمینه‌های مختلف است. لذا از این مجمع درخواست شد تا سیاست‌های کلان ناظر بر اصل ۴۴ قانون اساسی را تدوین نماید. این سیاست‌ها در دو مرحله در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ابلاغ گردید. بدین ترتیب راه برای درمان اقتصاد بیمار فراهم شد.

ابلاغ سیاست‌های کلی گرچه راه‌گشا بود، برای عملیاتی شدن به قانون عادی نیاز داشت تا برنامه خصوصی‌سازی در اقتصاد کشور آغاز گردد. بدین منظور در اسفند ماه ۱۳۸۶ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، مشتمل بر ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در خرداد ماه ۱۳۸۷، مجمع تشخیص مصلحت نظام، آن را موافق مصالح نظام تشخیص داد (روزنامه رسمی شماره ۱۸۴۷۶ - ۱۳۸۷/۵/۱۵).

محور کلیدی فعالیت اقتصاد آزاد، رقابت بنگاه‌های اقتصادی با یک‌دیگر است. رقابت‌پذیری بازار، پیش‌شرط اساسی و مورد نیاز در انجام دادن فعالیت اقتصادی است؛ به همین منظور، در قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، مقنن با جرم‌انگاری برخی فعالیت‌ها، تلاش در ترسیم سیاست کیفری مناسب در قبال جرایم اقتصادی مُخل رقابت نموده است.

در این مقاله، ابتدا به مفاهیم و مبانی خصوصی‌سازی و اقتصاد رقابتی به عنوان مبانی تئوریک قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، طرق و دلایل اتخاذ





سیاست‌های یاد شده و اقدامات بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی در مورد حمایت کیفری از ساختار و نظام‌های اقتصادی می‌پردازیم و سپس به جرایم و مجازات‌های تعیین شده از منظر حقوق جزای اختصاصی اشاره می‌کنیم. در این مطالعه، تلاش بر این بوده تا هم‌زمان با شناسایی سیاست کیفری حمایت از اقتصاد رقابتی، ارزیابی جامعی از آن صورت گیرد.

تعریف، مبانی و طرق خصوصی‌سازی

واژه خصوصی‌سازی، از تغییر موازنه بین حکومت و بازار در حیات اقتصادی یک کشور به نفع بازار حکایت می‌کند. از لحاظ نظری، ارایه تعریفی جامع و مانع از این اصطلاح، مشکل به نظر می‌رسد. برخی از علمای علم اقتصاد، خصوصی‌سازی را به استفاده بهینه از منابع کمیاب برای افزایش بهره‌وری تعریف کرده‌اند، (رحیمی‌پروجرودی، ۱۳۸۵: ص ۲). برخی دیگر، خصوصی‌سازی را اصطلاحی می‌دانند که ابزارهای روشن و ممکن، تغییر ارتباط و وابستگی بین دولت و بخش خصوصی را پوشش می‌دهد (تامپسون و کی، ۱۹۸۶: ۳۲). تعریف جامع‌تر این است که خصوصی‌سازی، به محدود کردن نقش دولت و ارایه سیاست‌ها و روش‌هایی برای تقویت اقتصاد و بازار آزاد، مربوط می‌شود. کشورهای مختلف هر کدام با اتکا به برخی از مبانی و مصلحت‌ها، اقدام به برگزیدن این سیاست اقتصادی می‌نمایند. از منظر اقتصاد خرد و نظریه‌های اقتصاد نهادی نورث، یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه، وجود نهادهای ناکار، شامل سیستم حق مالکیت ضعیف و فقر مقررات قانونی حامی بهره‌وری است. نتیجه چنین وضعیتی، بالا بودن هزینه مبادلاتی، پایین بودن حجم مبادلات و در نتیجه عملکرد ضعیف اقتصادی است، ایجاد نوآوری‌های فنی، انباشت و گسترش سرمایه که از ملزومات اساسی رشد اقتصادی هستند، به ساختار حق مالکیت نیاز دارند. خصوصی‌سازی یکی از





اساسی‌ترین اصلاحات اقتصادی است، که حق مالکیت در نظام‌های تمرکزگرا را تغییر داده، یک ساختار مناسب حقوقی برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد (نورث^۱، ۱۹۹۰: ۲۷). ز دیدگاه اقتصاد کلان نیز به مبانی نظری خصوصی‌سازی می‌توان دست یافت. بر اساس نظریه‌های نئوکلاسیک اقتصادی، مالکیت عمومی، به اتلاف و نابودی منابع می‌انجامد. مبنای این نظریه جدید، این است که عکس‌العمل افراد در نحوه برخورد با منابع در وضعیت مالکیت خصوصی و عمومی متفاوت است. بر این اساس، افراد در حالت مالکیت عمومی، واکنش برداشت سریع و نابود کردن را از خود نشان می‌دهند و در حالت مالکیت خصوصی، حفظ و رشد منابع را برمی‌گزینند. برخی دیگر از آراء، معتقدند که با توجه به سهولت نقل و انتقالات اطلاعات در بخش خصوصی، تصمیم‌گیری‌ها در این بخش کاراتر انجام می‌پذیرد. بر اساس رویکرد دیگر که به نظریه مدعی باقی‌مانده موسوم است، مالکیت خصوصی، با به رسمیت شناختن حق ادعای باقی‌مانده^۲ (مازاد)، موجب ایجاد انگیزه حداکثر سود می‌شود. چنین شرایطی که افراد در آن، به واسطه انگیزه کسب سود و منافع بیش‌تر، خدمات و کالای مطلوب‌تری به مشتری عرضه می‌کنند، در نظام مالکیت دولتی کم‌تر به نظر می‌رسد (آلچیان و مستنر^۳، ۱۹۷۲: ۹۵). شیوه‌ها و طرقی که دولت‌ها برای خصوصی‌سازی اقتصاد خود اتخاذ می‌کنند، بسته به مبانی و شیوه‌های مورد استفاده واضعان و مجریان این سیاست‌هاست که درسه شکل دسته‌بندی می‌شود:

۱. طراحی سیاست‌های اقتصادی به منظور تقویت ساختار شرکت‌ها، ابزارهای قانونی و مؤسسات مالی یا آزادسازی مقررات زدایی که نسبت به همه مؤسسات



1. North.
2. Residual Claimant.
3. Alchian & Demsetz.



اقتصادی عمومی و خصوصی اعمال می شود تا باعث گسترش گردد (هارتلی^۱، ۱۹۸۶: ۳۲). ۲. اتخاذ سیاست هایی که مشخصاً برای تشویق و توسعه بخش خصوصی طراحی شده است (والنت، ۱۹۸۴: ۲۱). ۳. خصوصی کردن مؤسسات اقتصادی عمومی از طریق شیوه های واگذاری و غیرواگذاری، به نحوی که تعادل عملیات به نفع بازار بهبود یابد (پاکدامن، ۱۳۷۴: ۱۵).

در مجموع می توان گفت که انگیزه اولیه خصوصی سازی، وجود مشکلاتی در اقتصاد کلان کشورهاست (یاروو^۲، ۱۹۹۸: ۴۵) و در نتیجه، به اصلاحات اقتصادی مبتنی بر آزادسازی و خصوصی سازی به عنوان فراهم کننده شرایط لازم رشد بلندمدت اقتصادی، باید توجه جدی قرارشود (خان و رین هارت^۳، ۱۹۹۰: ۲۷).

۲. بررسی خصوصی سازی در کشورها و تدابیر حمایتی از آن، از لحاظ تاریخی، رویکرد دولت ها به مقوله خصوصی در سه سطح متمایز کشورهای پیشرفته سرمایه داری، کشورهای با اقتصاد متمرکز و کشورهای جهان سوم، قابل بررسی است. در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، نهادهای سازمان یافته بازار آزاد به صورت گسترده و با سابقه طولانی وجود دارد دولت در این کشورها، اغلب نقش تکمیلی داشته و در جهت رفع نواقص بازار شکل گرفته است. در این کشورها، شکل تکامل یافته ای از حقوق مالکیت و آزادی فردی و اختیار انتخاب، راهنمای اصلی فعالیت های اقتصادی و زیربنایی ایدئولوژیک نظام است و فعالیت های گسترده دولت در دو شکل تکمیلی و تکاملی اقتصاد آزاد وجود دارد. کشور انگلیس را می توان پیشگام موج جدید خصوصی سازی در دهه هشتاد میلادی نامید.

خصوصی سازی در کشورهای با برنامه ریزی متمرکز، مقوله ای کاملاً متمایز از کشورهای پیشرفته است. در این کشورها، خصوصی سازی آغازی برای فعالیت بازار



1. Hartley.
2. Yarrow.
3. Khan & Reinhart.



و حاکمیت مکانیزم‌های قیمت‌هاست. بنابر این، تغییر و دگرگونی ساختاری در تمامی بخش‌ها و ایجاد زمینه‌های ارزشی، قانونی و نهادی برای به وجود آوردن فضای مناسب برای توسعه و رشد بنگاه‌های خصوصی لازم است. در این کشورها، تصمیم به واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی به مردم، با این پیش‌فرض صورت می‌گیرد که در هیچ یک از نهادهای قانونی اداری و مالی و پولی، روابط اقتصادی آزاد وجود ندارد و اولین تلاش‌ها باید در جهت شکل دادن یک نظام سیاسی - اقتصادی براساس حقوق مالکیت خصوصی و آزادی فردی شامل قوانین مربوط به شرکت‌های خصوصی باشد و به دنبال آن بازارهای مالی جدید به ویژه بازار بورس شکل گیرد. کشورهای آلمان، لهستان و مجارستان از جمله این کشورها به شمار می‌آیند (متوسلی، ۱۳۷۳: ۲۴۳).

در کشورهای در حال توسعه واقع در امریکای لاتین، افریقا و آسیا نیز موج جدیدی از خصوصی‌سازی آغاز گردیده است. با توجه به این که خصوصی‌سازی در اغلب این کشورها، از فشارهای مستقیم و غیرمستقیم سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول متأثر است، این نهادها، اعطای اعتبارات و وام‌های بین‌المللی را منوط به اصلاحات و تعدیل اقتصادی در چارچوب خصوصی‌سازی می‌نمایند. سازمان‌های جهانی، مشکلات اقتصادی کشورهای جهان سوم را ناشی از گسترش بیش از حد دیوان‌سالاری دولت و فاصله گرفتن از اقتصاد آزاد می‌دانند.

امروزه مقوله کیفری کردن و کیفرزدایی از حوزه‌های اقتصادی، مورد اختلاف نظر است؛ زیرا حوزه‌های مختلف این فعالیت‌ها، نیازمند درستی اخلاقی و امنیت هستند. از سوی دیگر، سودجویی برای جلب منافع اقتصادی، موجب می‌شود تا عده‌ای این امنیت را نقض کنند. در نتیجه می‌توان گفت: حقوق کیفری به ضرورت باید به کمک نظام اقتصادی بیاید و تا زمانی که قواعد اقتصادی موفق نمی‌شوند





تابعان خود را به تبعیت از قواعد وادار نمایند، به ناچار به حقوق کیفری رجوع می‌شود. در این زمینه، تحقیقات جامعی (ارلیک^۱ ۱۹۷۳: ۳۳) صورت گرفته است. فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه ساختارهای اقتصاد آزاد، نیازمند قوانینی است که زمینه‌های امنیت و نظم را فراهم آورند. این مهم سبب شد تا نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، با تصویب کنوانسیون‌ها و قوانین، این نیاز فعالیت‌های اقتصادی را تأمین کنند. سازمان ملل متحد، جرایم اقتصادی را یکی از تهدیدات بالقوه و بالفعل برای صلح جهانی پایدار و امنیت بشری دانسته و از آن‌جا که خود را متولی صلح و امنیت بین‌المللی و شکوفاسازی اقتصاد جهانی مطرح نموده، دولت‌ها را به مبارزه با این دسته جرایم موظف می‌داند. انعکاس این رویکرد سازمان ملل متحد، یعنی تأثیری که جرایم بر صلح و امنیت دارند، عمدتاً در چارچوب منشور حقوق بشر از جمله اعلامیه حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ مشخص است. با توجه به تقویت بخش خصوصی در برابر بخش دولتی، جرایمی که در این حوزه رخ می‌دهد، اقتصاد کشورها را تهدید می‌کند و انبوهی از سرمایه‌ها را خارج از کانال‌های رسمی اقتصاد به جریان می‌اندازد. لذا یک اقتصاد سایه و زیرزمینی شکل خواهد گرفت که کاملاً مخرب است، با در نظر گرفتن این مطالب، سازمان ملل علاوه بر قطعنامه و توصیه‌نامه‌هایی که جنبه لازم‌الاجرا ندارند و نیز کنگره‌های پنج‌سالانه خود با عنوان پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری، دو کنوانسیون مهم را تصویب کرده است که جز منابع فراملی حقوق کیفری، - اقتصادی دول عضو تلقی می‌شود. این دو عبارتند از: کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته (پالرمو)^۲، مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی و نیز کنوانسیون مبارزه با فساد مالی^۳ (مریدا)، مصوب سال ۲۰۰۳ (www.un.org).



1. Ehrilick.
2. United Nation Convention Against Transnational Organized Crime 2000.
3. United Nation Convention Against Corruption 2003.



کنوانسیون مریدا به عنوان نخستین سند بین‌المللی مبارزه با فساد، اولین سیاست کیفری اتخاذی خود را با ابتدا بر اقدامات پیش‌گیرانه و کنشی غیرسرکوب‌گر آغاز نموده است به موجب بند سوم ماده ۸ این کنوانسیون، به رعایت اخلاق حرفه‌ای مقامات دولتی تأکید شده است. در ماده ۱۱ نیز بر جلوگیری از فساد در دستگای قضایی، به ویژه دادسرا و ضابطان و لزوم رعایت رفتار حرفه‌ای توجه خاص شده است. در ماده ۱۳ به مشارکت مردم و اطلاع‌رسانی به آن‌ها در ارتباط با قوانین اشاره شده است، در این کنوانسیون، جرایم متعددی پیش‌بینی و به آن اشاره شده است. برای مثال، در ماده ۱۵، جرایمی نظیر ایجاد مانع برای اجرای عدالت قضایی از طریق مخفی نمودن ادله، تهدید قضات، و دادن رشوه به مقامات ذی ربط، جرم‌انگاری شده است. جرم سوءاستفاده از موقعیت و جایگاه در ماده ۱۹ پیش‌بینی شده که در ایران از آن به عنوان ویژه خواری یا رانت یاد می‌شود. امروزه اعمال تکالیف این کنوانسیون در سطح حقوق داخلی، شرطی در جهت حضور در فعالیت‌های اقتصادی و عضویت در سازمان‌های جهانی تلقی می‌گردد. لذا می‌توان از جهانی شدن و بین‌المللی شدن مقررات مربوط به جرایم اقتصادی از ره‌گذر کنوانسیون مریدا صحبت کرد.

در سطح منطقه‌ای، در جهت اهداف یاد شده نیز کنوانسیون‌هایی وجود دارد که از جمله می‌توان به کنوانسیون سازمان هم‌کاری و توسعه اقتصادی^۱، کنوانسیون سازمان کشورهای امریکایی در ممنوعیت فساد مالی^۲، کنوانسیون مبارزه با فساد کارمندان جوامع اروپایی یا کارمندان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا^۳، و کنوانسیون اتحادیه افریقا برای پیش‌گیری و مبارزه با فساد مالی^۴ اشاره کرد. برای

1. Convention of organization for Economic Co-Operation & Development 1960.
2. Organization of American States (OAS) 1996.
3. Convention on The Fight Against Corruption Involving Official of The European Communities or Officials of Member States of European Union 2003.
4. African Union Convention on Preventing and Combating Corruption 2003.



مثال، می توان از اقداماتی که به موجب این کنوانسیون ها اتخاذ گردیده، به مواد ۲۱ و کنوانسیون (OECD) اشاره کرد. در این مواد، افق های گسترده ای پیش بینی شده که رسیدن به حداکثر رشد اقتصادی، اشتغال کامل و افزایش سطح زندگی از طریق فراهم ساختن یک بستر اقتصادی سالم و عاری از هرگونه تخلف و جرم، برای برقراری رابطه ای سالم و سازنده با کشورها از جمله آن ها به شمار می آید. به موجب بندهای ۱ الی ۵ ماده ۲ کنوانسیون اتحادیه افریقا برای پیش گیری و مبارزه با فساد مالی، اهداف این کنوانسیون ترویج و توسعه مکانیزم های لازم توسط کشورهای عضو برای جلوگیری، شناسایی، مجازات، و ریشه کردن فساد و جرایم مرتبط با این گونه جرایم در بخش های دولتی، خصوصی، و تقویت و توسعه هم کاری میان کشورها برای اطمینان از اثربخشی اقداماتی است که برای جلوگیری، تشخیص مجازات و ریشه کن کردن فساد در افریقا، و ایجاد شرایط لازم برای شفافیت و پاسخ گویی مقامات ذی ربط عمومی بیان گردیده است. دولت های عضو، این کنوانسیون متعهد گردیده اند که اقدامات قانونی و سایر راه کارهای لازم را برای جلوگیری و مبارزه با فساد و جرایم مرتبط با آن در بخش خصوصی اتخاذ نمایند. هم چنین بخش خصوصی را از طریق اتخاذ مکانیزم های تشویقی، هدایت می کنند و به رعایت فاکتورهایی از قبیل رقابت منصفانه و برگزاری سالم مناقصات ملزم نمایند.

([http://africi-union. or. 1390/2/4](http://africi-union.or.1390/2/4)).

در نظام حقوقی ایران نیز مانند اغلب کشورها، در قانون اساسی چارچوب ها و شاکله های اساسی موضوعات مهم از جمله مسایل اقتصادی مطرح گردیده است. مقدمه قانون اساسی، نهادهای اقتصادی را مبتنی بر اصول و ضوابط اسلامی دانسته که صرفاً وسیله ای برای رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او هستند. بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب را بر عهده حکومت اسلامی می داند. لذا با توجه به اهمیت فراوان امور اقتصادی، اصول متعددی به تشریح و تبیین رویکردهای





حاکم بر مسایل اقتصادی از دیدگاه قانون اساسی پرداخته‌اند، ولی برخی از این اصول که ارتباط بیش‌تری با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارد، بیان می‌گردد. در اصل ۴۳ ذیل فصل چهارم (اقتصاد و امور مالی)، مقرر گردیده است که برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی بر اساس ضوابطی از قبیل تأمین نیازهای اساسی، تأمین شرایط و امکانات استوار می‌باشد. در اصول ۴۵ و ۴۶، مقرر گردیده که هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خودش است و مالکیت شخص که از راه مشروع باشد، محترم است و ضوابط آن را قانون معین می‌کند. در اصل ۴۹ نیز دولت موظف گردیده است که ثروت ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را بگیرد و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد.

در میان قوانین عادی می‌توان به آیین‌نامه قانون تشکیل دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷ اشاره نمود. در ماده ۲ آیین‌نامه مزبور این اعمال به‌طور کلی جرم‌انگاری شده‌اند: ۱. قتل و کشتار؛

۲. حبس و شکنجه مردم؛

۳. جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت‌المال یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان؛

۴. واژگان جنایات اقتصادی. در بند ۳ در معنای عموم جرم (جمع آن جرایم) آمده است: اما با توجه به شرایط خاص زمان وضع، از اصطلاح جنایات استفاده شده است. این بند در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز مطرح شده و به اموالی اشاره دارد که از طریق قمار، ربا، اعمال نفوذ، رانت‌خواری و سوءاستفاده از اموال عمومی و... تحصیل





شده است. به نظر می‌رسد که منظور از بند ۳ کل نظام اقتصادی کشور باشد؛ یعنی جرایمی که تولید و توزیع و مصرف را تحت شعاع قرار می‌دهد.

موارد دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، دستورالعمل اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۴ شورای عالی قضایی است. این دستورالعمل در جهت عملیاتی کردن قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است. گفتنی است قوانین دیگری در مورد جرایمی هم چون پول‌شویی تصویب گردیده که برای جلوگیری از اطاله کلام، از ذکر و بیان آن‌ها خودداری می‌گردد.

۳. رقابت و تبیین آن

با توجه به این که مقوله رقابت از مفاهیم بنیادی این مقاله است و به عنوان یکی از اهداف اصلی وضع و اجرای این قانون مفروض بوده، ضرورتاً پیش از ورود به معرفی قانون و اجرای آن، نخست به تبیین مفهوم رقابت می‌پردازیم. به موجب بند ۱۱ ماده ۱ قانون اجرای اصل ۴۴، رقابت وضعیتی در بازار است که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت، فعالیت می‌کنند؛ به طوری که هیچ یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان، قدرت تعیین قیمت را در بازار نداشته باشند یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود داشته باشد. این شرایط می‌تواند باعث ایجاد یک بازار رقابت کامل گردد. در این بازار تعداد زیادی تولیدکننده و مصرف‌کننده برسر یک کالای همگن و خاص به داد و ستد می‌پردازند و سهم هر تولیدکننده از تولید آن کالای خاص، اندک است و قبلاً یک تولیدکننده درصد بالایی از سهم بازار را در اختیار ندارد؛ در نتیجه، هیچ تولیدکننده‌ای نمی‌تواند با استفاده از کم و زیاد کردن تولیدش، روی قیمت بازار تأثیر بگذارد. رقابت‌پذیری یک اقتصاد به قابت‌پذیری شرکت‌های داخل آن بستگی دارد؛ با این حال، رقابت‌پذیری اقتصاد ملی چیزی





فراتر از جمع ساده یا میانگین رقابت پذیری شرکت های آن است. درباره رقابت پذیری، در سه سطح ملی یا کشوری، صنعت و شرکت بحث و بررسی می شود.

مفهوم رایج رقابت پذیری در سطح ملی، توانایی کشورها در تولید محصولاتی است که می توانند در رقابت بین المللی عرض اندام نمایند (مون^۱، ۱۹۹۸: ۱۳۵). زمانی که رقابت پذیری صنعت به عنوان محیط فعالیت فرد و رقابت بنگاه ها و کسب و کارها، در نظر گرفته شود، ماهیت زیرساختی به خود می گیرد. از طرف دیگر، زمانی که به عنوان مجموعه ای از بنگاه های فعال در یک حوزه تخصصی در مقایسه با صنایع رقیب در فضای رقابتی ملی و بین المللی منظور می گردد، ماهیتی کارکردی به خود می گیرد. برخی رقابت پذیری صنعت را در قالب یک چارچوب کاربردی، شامل ابعاد عملکرد رقابتی، پتانسیل رقابتی و فرایند مدیریتی می دانند (باکلی^۲، ۱۹۸۸: ۱۷۵). در دو دهه اخیر، در خصوص رقابت پذیری بنگاه ها، دو گرایش مبتنی بر فناوری و شایستگی ایجاد شده است. رویکرد اول بر اساس فناوری اطلاعات، باعث بهبود کارایی می گردد. ولی براساس رویکرد دوم، بنگاه ها مهارت های خود را از طریق تحکیم و تثبیت خارجی و داخلی شناسایی و کنترل می کنند (بوث و فلیپ^۳، ۱۹۹۸: ۳۹).

رقابت پذیری به عنوان یکی از ضرورت های اقتصاد کارآمد و بهره ور، مؤلفه های متعدد و عدیده ای دارد. اقتصاددانان نیز هر کدام تلاش داشته اند که در این زمینه شاخص هایی را معرفی نمایند. در مجموع این مؤلفه ها را تحت عنوان امکان رقابت پذیری در دوازده گروه می توان تقسیم بندی نمود که شامل نهادها، زیرساخت ها، ثبات در اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی، آموزش عالی و



1. Moon.
2. Buckley.
3. Booth & Philip.



حرفه‌ای، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، پیشرفته بودن بازار مالی، آمادگی تکنولوژیک، اندازه بازار، پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری، و نوآوری شاخص رقابت‌پذیری هر کشور است؛ اما در نهایت، نتایج محاسبات برای هر یک از ارکان فوق برای کاربردهای سیاست‌گذاری، به صورت جداگانه محاسبه می‌شود. برای تحقق بازار رقابت کامل، وجود یک سری از مفروضات ضروری است. در رقابت کامل، هیچ مؤسسه یا بنگاهی نمی‌تواند بر قیمت بازار تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، هیچ بنگاهی نمی‌تواند با عدم مبادرت به فروش، موجب بالا رفتن قیمت آن‌ها شود و یا با عرضه و فروش زیاد، سبب کاهش قیمت گردد (عامری، ۱۳۸۹: ۱۲۱). از تولیدکنندگان انتظار می‌رود که برحسب رفتار عقلانی، به دنبال حداکثر سود باشند؛ از مصرف‌کننده نیز انتظار می‌رود به دنبال مطلوبیت بیش‌تر خود باشد و گرنه رقابت مفهومی نخواهد داشت. تمام افرادی که در این نوع بازار هستند، باید از تمام شرایط بازار مانند قیمت فروش هم عرضه‌کنندگان و کیفیت کالاها اطلاع داشته باشند در غیراین صورت، ممکن است یک عرضه‌کننده، کالای خود را با قیمت بالاتر و کیفیت پایین‌تر نسبت به سایر عرضه‌کنندگان به فروش برساند. از موارد مفروض، عدم برتری و ترجیح یک مصرف‌کننده به دلایل غیراقتصادی مانند شهرت یک شرکت یا رفتار فروشنده است که باعث نقض بازار رقابت می‌شود. نهایتاً این که اگر قیمت کالا پایین‌تر از هزینه متوسط تولید قرار گرفت و تولیدکنندگان دچار ضرر شدند، تولیدکنندگان بتوانند به سرعت، عوامل تولید خود را به بازاری دیگر منتقل کنند و همین‌طور اگر قیمت کالا بالاتر از هزینه‌های متوسط تولید قرار گرفت، تولیدکنندگان دیگر از بازارهای دیگر بتوانند به سرعت عوامل تولید خود را به این بازار بیاورند. عدم سرعت در جابه‌جایی عوامل تولید، باعث کند شدن مکانیسم بازار می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: رقابت‌پذیری معیار کلیدی برای ارزیابی درجه





موفقیت کشورها، صنایع و بنگاه‌ها، در میدان‌های رقابت سیاسی، اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید (آقازاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۷).

رقابت داخلی و بین‌المللی با اصلاح تأثیر نهادهای موجود، انگیزه‌هایی را برای تغییرات نهادی در سراسر جهان ایجاد کرده است. رقابت می‌تواند جایگزینی برای سایر نهادها به شمار رود. این مقوله به دلیل این که بر بنگاه‌های ناکارآمد برای انحلال آن‌ها فشار می‌آورد، می‌تواند به عنوان جایگزینی برای نظام‌های ناکارآمد و ورشکسته استفاده شود. رقابت در بازار محصول، موجب افزایش کارایی و بهره‌وری از طریق ایجاد انگیزه برای مدیران برای کاهش هزینه‌ها، نوآوری، کاهش رکود و بهبود ترتیبات نهادی در تولید می‌شود. رشد بهره‌وری به خودی خود، یکی از منابع مهم رشد اقتصادی در کشورها به شمار می‌آید. در صورت وجود رقابت، بنگاه‌ها عملیات خود را برای افزایش کارایی و در نتیجه حفظ سودآوری تعدیل می‌کنند و بنگاه‌های ناکارآمد از بازار خارج می‌گردند. خروج این بنگاه‌ها، موجب آزاد شدن منابع می‌شود که بعداً بنگاه‌های کارآمدتر، می‌توانند از آن استفاده کنند. با استفاده از برخی پیش زمینه‌ها می‌توان برخی از موانع رقابت را مرتفع ساخته و آن را تقویت کرد. موانع نهادی برای رقابت داخلی، شامل مواردی از قبیل مقررات دولتی برای ورود بنگاه‌ها حتی در بخش کالاها و خدمات قابل مبادله و رقابت بین‌المللی تا حدودی باعث ایجاد مانع برای شکل‌گیری رقابت می‌گردد. مقررات گسترده و پرهزینه دولتی، هم‌چنین فساد را تسهیل می‌کند و به پی‌آمدهای توزیعی منفی‌ای انجامد. که کارگزاران و بازارها را برای انتقال فعالیت‌های خود به بازار رسمی ترغیب خواهد کرد. نهادهای خصوصی نیز می‌توانند موانعی برای ایجاد رقابت ایجاد کنند. برای مثال، انحصاری کردن مجاری داخلی توزیع، بدین معناست که حتی وقتی یک کالا می‌تواند آزادانه وارد بازار شود، هنوز در بازار داخلی آن کالا رقابت وجود ندارد. لذا عده‌ای از اقتصاددانان، حاضر به قبول بدون شرط کارایی





بخش خصوصی نیستند و از مداخله دولت آن هم با درجات مختلف طرفداری می‌کنند. (کميجانی، ۱۳۸۸: ۲).

نهادهای داخلی که می‌توانند به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای بهبود رقابت باشند، شامل مواردی از قبیل وضع قوانین تضمین‌کننده رقابت کامل در نهادهای رقابتی است. این نهادها، حتی در کشورهای صنعتی که اغلب آن‌ها در استفاده از این مکانیزم‌ها سابقه طولانی دارند، نیز از لحاظ ساختار و اختیاراتی که برای آن‌ها پیش‌بینی شده تا حدود زیادی با هم تفاوت دارند. دولت‌ها این نهادها را برای مقابله با موانعی ایجاد کرده‌اند که بخش خصوصی می‌تواند در بازار ایجاد کند و نیز برای اطمینان از بخش‌هایی که امکان بروز انحصار در آن محتمل‌تر است، ایجاد کرده‌اند. به نظر می‌رسد که اولویت اصلی برای کارآمد کردن نهادهای رقابتی، باید مواردی باشد که می‌توانند در حالت رقابت اختلال ایجاد کنند، مانند کارتل‌ها و قراردادهای انحصاری عرضه و توزیع که نتیجه وجود این عوامل، چیزی جز تضعیف بنیه صنعتی - اقتصادی و در نهایت متضرر نمودن مصرف‌کننده نیست (عامری، ۱۳۸۸: ۳).

به موضوع رقابت در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به عنوان یکی از ارکان اساسی خصوصی‌سازی اقتصاد توجه شد. به همین دلیل، نهادی در قانون مذکور پیش‌بینی گردید که نقش بسیار با اهمیت و پررنگی در تضمین و بهبود سلامت رقابت اقتصادی دارد. این نهاد همان شورای رقابت است. این شورا وفق ماده ۵۳ ذیل عنوان تسهیل رقابت و منع انحصار (فصل نهم)، برای نیل به اهداف فصل یاد شده پیش‌بینی گردیده که برای سهولت در رقابت اقتصادی و جلوگیری از اقدامات انحصارگرایانه است. ترکیب اعضای آن شامل یازده نفر متشکل از دو نفر قاضی، یک حقوق‌دان، دو اقتصاددان، دو متخصص تجارت، یک صاحب‌نظر امور زیربنایی، یک متخصص مالی، دو نماینده از اتاق تعاون و بازرگانی و اتاق صنایع و





معادن ایران و نهایتاً سه نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس است. رییس شورا از میان اقتصاددانان عضو انتخاب می‌شود. شورا نهادی کاملاً مستقل و غیردولتی است و در رسیدگی و تصمیم‌گیری و مطابقت مقررات قانونی، استقلال کامل دارد. شورای رقابت دارای اختیارات و وظایف گسترده‌ای است که به‌طور خلاصه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تشخیص مصادیق رویه‌های ضد رقابتی، ارزیابی وضعیت و تعیین محدوده بازار و کالا و خدمات، ابلاغ دستورالعمل و راهنماهای تسهیل رقابت و منع انحصار، ایفای سمت شاکی در تمام جرایم ضد رقابتی و درخواست از دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی و جبران خسارت وارده به منافع عمومی، بازرسی از شرکت‌ها و بنگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی و پرونده‌ها و صدور اجازه تفتیش و ورود به اماکن، انبارها، وسایل نقلیه، رایانه و صدور جواز بازرسی از فعالیت‌های اقتصادی بنا به حکم قاضی عضو شورای رقابت، تحقیق از متشکی‌عنه که شامل احضار و انجام دادن تحقیقات و احضار شهود یا هر شخص دیگر بر حسب ضرورت و... است. هرگاه شورای رقابت حسب اجرای وظایف، ارتکاب اعمال ضد رقابتی را احراز کند، می‌تواند تصمیماتی از قبیل دستور به فسخ هر نوع قرارداد، تفاهم و توافق متضمن رویه ضد رقابتی یا دستور عزل مدیرانی را صادر کند که برخلاف حکم ماده ۴۶ قانون (تصدی هم‌زمان به منظور اخلال در رقابت) انتخاب شده‌اند و یا به عدم فعالیت در زمینه خاص یا منطقه خاص دستور دهد و یا در صورت ارتکاب اعمال ضد رقابتی تا سقف یک میلیارد ریال، را جریمه نقدی تعیین کند.

۴. تدابیر کیفی حامی رقابت

در این قسمت، به بررسی جرایم پیش‌بینی شده در قانون اجرای اصل ۴۴ می‌پردازیم که تضمین‌کننده سلامت رقابت اقتصادی است. هم‌چنین ارکان عمومی و عناصر اختصاصی و نیز مجازات‌های تعیین شده را بررسی می‌کنیم. مقنن در قانون





مزبور طی مواد ۷۲ تا ۷۸ به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای برخی از افعال یا ترک افعال پرداخته و در مواد ۷۹ تا ۸۴ نیز، مقرراتی از قبیل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تکالیف ضابطان دادگستری در اجرای این قانون را بیان کرده است. روشی که برای تحلیل عناوین مجرمانه مندرج در قانون، اتخاذ گردیده، به شکلی ترسیم شده که جرایم مورد اشاره مقنن را به ترتیب، از لحاظ عناصر سه گانه جرایم به تفصیل بررسی می‌کند:

۱. اقدامات مخل فرایندهای اداری و دادرسی

در ماده ۷۲ مقرر گردیده است که هر کس برای اخذ گواهی یا مجوزهای موضوع این فصل یا در جریان رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی اعم از مرحله بازرسی و تحقیقات، اظهارات خلاف واقع کند و یا از دادن اطلاعات و اسناد و مدارکی که می‌تواند در نتیجه تصمیمات شورای رقابت و هیأت تجدید نظر مؤثر باشد خودداری کند، یا هر کس به شورای رقابت، هیأت تجدید نظر و مرکز ملی رقابت، مدارک و اسناد جعلی و یا خلاف واقع تسلیم نماید یا اطلاعات، مدارک و اسناد مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی را صرف نظر از قالب آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم نابود کند یا تغییر دهد یا تحریف کند، به جزای نقدی از ده تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. چنانچه ارایه اسناد و مدارک با بیان اظهارات خلاف واقع یا جعلی، منجر به گواهی و یا مجوزهای مذکور در این فصل شده باشد، دادگاه علاوه بر تعیین مجازات مقرر در این ماده با تقاضای ذی‌نفع، حسب مورد به ابطال گواهی یا مجوز مزبور حکم صادر خواهد کرد.

۱-۱. رکن مادی

الف) رفتار فیزیکی

در ماده مرقوم، رفتارهای فیزیکی متعددی جرم‌انگاری شده است. مقدمتاً جرم، اظهارات خلاف واقع در جهت اخذ گواهی یا مجوزهای موضوع فصل نهم پیش‌بینی





شده است. در مرحله بعد ترک فعل، خودداری از دادن اطلاعات و اسناد و مدارکی که می‌تواند در اتخاذ مراجع تعیین شده مؤثر باشد، مجرم شده است. نباید از این نکته غفلت کرد، که مخاطب این امر قانونی، علی‌رغم وجود قید «هر کس» در ابتدای ماده، صرفاً افرادی هستند که قانوناً و یا حسب قرارداد، موظف به ارایه اسناد و اطلاعات باشند (پورباقرانی ۱۳۸۴: ۳۳). در حقیقت شخص خاطی به طرق یاد شده، با اسناد و مدارک مورد حمایت مقنن، مرتبط بوده و در فرایند موصوفه (جریان بازرسی و تحقیقات) در شورای رقابت و هیأت تجدید نظر قرار دارد. در مرحله دیگر، ارایه اسناد مجعول یا خلاف واقع به مراجع ذی‌صلاح، جرم‌انگاری شده است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این که اگر خاطی هم‌زمان از دو سند مجعول استفاده کند، مورد از مصادیق تعدد واقعی جرم است؛ زیرا شرط اول تحقق تعدد واقعی جرم، این است که حداقل دو یا چند جرم که دارای مجازات تعزیری یا بازدارنده باشند، در عالم خارج تجسم یابند (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۵۳). در مرحله آخر، نابود کردن و یا تغییر دادن یا تحریف اسناد و موارد مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی، خواه به صورت مستقیم و غیرمستقیم، جرم دانسته شده است. واژه اسناد، در ماده مورد بررسی به صورت اطلاق آورده شده، لذا می‌تواند هر نوع سند و مدرک اعم از دولتی و شخصی را شامل گردد. نابود کردن اسناد دولتی یا شخصی مصداق این ماده، به علت این که نقض مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی است، از موارد تعدد معنوی محسوب می‌گردد. در مواد مذکور در خصوص جعل اسناد دولتی و شخصی، مباحثی بیان گردیده است که با ماده مورد بررسی هم‌پوشانی دارد. به موجب ماده ۸۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، چنان‌چه در خصوص جرایم مذکور در این فصل (نهم)، مجازات‌های شدیدتری در قوانین دیگر پیش‌بینی شده باشد، مجازات‌های مزبور اعمال خواهد شد. با توجه به میزان مجازات‌های تعیین شده در مواد ذکر شده، مفاد مواد قانون مجازات اسلامی، حسب





مورد بر مجازات ماده ۷۲ اولویت خواهد داشت. اداره حقوقی قوه قضاییه، طی نظریه مشورتی شماره ۷/۴۸۳۹ مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۶ پاره کردن و گم کردن اسناد مربوط به شخص به وسیله صاحب آن‌ها را جرم ندانسته و در واقع ماده ۶۸۲ در مورد اوراق را متعلق به خود دانسته است که بدون اشکال به نظر نمی‌رسد.

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم

شرایط تحقق عناوین مجرمانه‌ای که به آن اشاره شد، نخست شامل این است که اعمال مجرمانه، برای اخذ گواهی یا مجوزهای موضوع فصل نهم قانون باشد و یا این که در جریان رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی باشد، خواه در مرحله بازرسی و یا تحقیقات، و دوم این که اسناد و مدارک مجعول و خلاف واقع به شورای رقابت یا هیأت تجدید نظر یا مرکزی طی رقابت تسلیم گردیده باشد و سوم این که اسناد و مدارکی که دچار نابودی، تغییر یا تحریف شده با رویه‌های ضد رقابتی شده باشد.

ج) نتایج حاصله

نظر به اهمیت و میزان تأثیر مخرب اقدامات یاد شده، به نظر می‌رسد جرایم، اظهارات خلاف واقع و یا خودداری از دادن اطلاعات و اسناد و نابود کردن، تغییر دادن و تحریف اسناد و مدارک، به صورت مطلق جرم‌انگاری شده‌اند؛ یعنی توجه به حساسیت موضوع جرایم یاد شده، فارغ از نتایج حاصله آن‌ها را جرم دانسته است. به نظر برخی از اساتید، این جرایم مشابه با جرایم مانع است (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۵۷)، ولی در مورد تسلیم اسناد جعلی و خلاف واقع باید اسناد یاد شده به شورای رقابت، هیأت تجدید نظر یا مرکز ملی رقابت تسلیم شوند. لذا برای مثال، اگر فردی به جعل اسناد و مدارک یاد شده اقدام نماید ولی آن‌ها را تسلیم نکند، جرم مذکور بدون این اقدام متأخر محقق نخواهد شد.

۲-۱. رکن روانی

وجود رکن قانونی و مادی از لوازم تحقق جرم است، ولی تحقق ارکان یاد شده برای تحقق جرم کافی نیستند، بلکه برای تحقق بزه، رکن سومی نیز ضرورت دارد





(قیاسی، ساریخانی، خسرو شاهی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). با وجود این، برای تحقق سوءنیت جزایی در این ماده در مرحله اول، مجرم باید از ماهیت مجرمانه، بیان اظهارات خلاف واقع و خودداری از دادن اطلاعات و اسناد و نابود ساختن، تغییر دادن یا تحریف کردن اسناد و ارایه اسناد و مدارک جعلی و خلاف واقع، آگاه باشد؛ زیرا مقنن صرفاً به جهت ارتکاب فعل مجرمانه، مجرم را مجازات نمی‌کند، بلکه حالت خطرناک و بروز اراده آگاهانه است که حالت درونی فاعل را منعکس می‌کند و اعمال مجازات را درباره او مناسب می‌گرداند.

صلوات بر آتش حق و الهام فر

به هر حال علمای حقوق درباره لزوم و اثر علم در حقوق جزا دیدگاه‌های متفاوتی دارند، ولی به نظر می‌رسند علم به قانون را باید شرط تحقق جرم و جهل را مانع آن دانست. افزون بر این، بزه کار علاوه بر علم به ماهیت مجرمانه عمل خود، باید واجد عمد و اراده نیز باشد. البته در جرایم عمدی مقید، اراده در انجام دادن عمل و قصد در حصول نتیجه وجود دارد. در جرایم یاد شده، مقنن با توجه به خطیر بودن اقدامات یاد شده، در جهت پیش‌گیری از ارتکاب این جرایم که در ایجاد اختلال در رقابت‌های اقتصادی سالم و پویا نقش اساسی دارد، آن‌ها را به صورت مطلق و فارغ از حصول و یا عدم حصول داعی اصلی بزه کار، جرم دانسته است. مؤید این مطلب این است که مقنن بیان داشته، هر کس برای اخذ گواهی و یا مجوزهای موضوع فصل نهم، اظهارات خلاف واقع کند و یا از دادن اطلاعات و اسناد و مدارکی که می‌تواند در نتیجه تصمیمات مراجع ذی‌ربط مؤثر باشد، خودداری کند، مرتکب عمل مجرمانه شده است. ولی به لزوم حصول غرض مجرم از ارتکاب جرم برای تحقق عناوین یادشده، اشاره‌ای نکرده است. انگیزه از دیگر اجزای رکن روانی در برخی از جرایم عمدی است؛ هر چند اصولاً انگیزه و داعی بزه کار در تحقق مسئولیت کیفری او اثری ندارد. در برخی از موارد، قانون‌گذار به‌طور استثنایی،





انگیزه را یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم دانسته است. در این جا نیز به نظر می‌رسد که انگیزه مجرم در تحقق جرایم یاد شده فاقد اثر باشد.

۳-۱. مجازات

مجموع صوری که از مجازات‌های مندرج ماده ۷۲ قانون، می‌توان استخراج نمود در چهار دسته قابل تقسیم‌بندی است: حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال - جزای نقدی از ده یکصد میلیون ریال - جمع دو مجازات فوق - ابطال مجوزهای غیرقانونی حاصله با تقاضای ذی‌نفع. اشکال عمده‌ای که در وضع مجازات‌های تعیین شده در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ وجود دارد، استفاده مکرر از حبس‌های کوتاه‌مدت است. اغلب کیفرشناسان، زندان‌های کوتاه‌مدت را به قدری زیان‌آور می‌دانند که آن را داروی بدتر از درد نام نهاده‌اند و معتقدند که این زندان‌ها، محکوم‌علیه را در معرض فساد قرار می‌دهد؛ زیرا آینده شخص مجرم به واسطه اعمال مجازات حبس هرچند کوتاه، به خطر می‌افتد. از پی آمده‌های ناگوار این نوع زندان، به ویژه تأثیر بر وضع معیشت خانواده زندانی، نمی‌توان به راحتی چشم پوشید. از این رو برای پرهیز از دشواری‌های این گونه کیفرها، راه‌حلهایی موسوم به جایگزین‌های زندان‌های کوتاه‌مدت محکوم‌علیه پیشنهاد شده که بر حذف، تعلیق و یا تهدید او مبتنی است (اردبیلی، ۱۳۷۱: ۱).

۲. جرایم کارشناسان و خبرگان

به موجب ماده ۷۳، هر کارشناس یا خبره یا صاحب‌نظری که شهادت یا اظهار نظر او برابر مقررات این فصل درخواست شود و برخلاف واقع شهادت دهد که در تصمیمات شورای رقابت و هیأت تجدید نظر مؤثر واقع شود، به حبس تعزیری از یک تا سه سال یا به جزای نقدی از سی سیصد میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.





۲-۱. رکن مادی الف) رفتار فیزیکی

رفتار مادی در این جرم، از دو فعل اقامه شهادت و اظهار نظر خلاف واقع تشکیل می‌گردد. به نظر می‌رسد در بزه، نخست اشخاص بر امری شهادت می‌دهند - خواه ادای شهادت یا تحمل شهادت کرده باشند؛ یعنی موضوع مورد شهادت را احساس نموده، اطلاع از آن حاصل کرده باشند. ولی در موضوع اظهار نظر، بحث متفاوت است. برای مثال، در موضوع مختلف‌فیه، مرتکب به ابراز نظر مغایر با واقع می‌پردازد. هر چند به طور معمول، شهادت غالباً به صورت شفاهی و اظهار نظر غالباً به شکل کتبی است، رفتارهای مزبور اعم از آن هستند که به صورت کتبی یا شفاهی باشند. از این رو شهادت کتبی یا اظهار نظر شفاهی نظیر اظهار نظر کتبی یا شهادت شفاهی، از مصادیق رفتار مورد نظر در این جرم خواهد بود.

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم

از مفاد این ماده این گونه استنباط می‌گردد که در وهله اول، شخص خاطی باید واجد عناوین کارشناس یا خبره یا صاحب نظر باشد. لذا اگر فردی غیرمتخصص و غیرکارشناس، اقدامات یاد شده را انجام دهد، حداقل مشمول این ماده نخواهد بود. در وهله دوم، شهادت و ابراز نظر خلاف واقع باید متأخر از درخواست از آنان برای ارائه نظریه باشد. لذا اگر کارشناسی بدو و بدون درخواست شورای رقابت یا هیأت تجدید نظر، شهادت کذبی بدهد یا اظهار نظر خلاف واقع بنماید، مشمول این ماده نخواهد بود. در وهله سوم، اقدامات یاد شده باید در مراجع مورد نظر مؤثر واقع گردیده باشند.

ج) نتایج حاصله

بنا به تصریح مقنن، اقدامات اشاره شده، باید مؤثر واقع گردیده باشد و گرنه مشمول این ماده نخواهد بود و مقنن در خصوص این که ملاک مؤثر بودن یا نبودن چه چیزی است، مطلبی بیان نکرده، ولی به نظر می‌رسد این مطلب امری موضوعی است. تأثیرپذیری تصمیمات شورا از شهادت یا اظهار نظر کارشناسان و متخصصان





مرجوع الیه، شرط مجرمانه بودن اعمال مزبور است. چنانچه علی‌رغم ارجاع موضوع به شخص خبره، هیچ‌گونه اثری بر آن‌ها صورت نپذیرد، به دلیل تحقق نیافتن نتیجه مورد نظر، رفتار خلاف واقع کارشناس مشمول این ماده نخواهد بود.

۲-۲. دکن روانی

برای این که مرتکبان جرم مطروحه، مشمول مجازات مقرر شده باشند، لزوماً باید به این امر واقف باشند که شهادت کذب و اظهار نظر برخلاف واقع، امری غیرقانونی است. هم‌چنین باید به ماهیت مجرمانه عمل ارتكابی خود نیز واقف باشند. همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، در مرحله بعد افراد مذکور باید در انجام دادن اعمال مجرمانه خود، واجد اراده ارتكاب باشند؛ یعنی مجرم در اقامه شهادت کذب یا اظهار نظر خلاف مرید باشد و ترک و انجام دادن آن نسبت به او یک‌سان باشد، ولی با اراده معطوف به انجام دادن اعمال خلاف قانون، دست به انتخاب مجرمانه بزند. مقنن با آوردن قید (مؤثر باشد)، تحقق نتیجه خاصی را به عنوان شرط تحقق عناوین مجرمانه یاد شده، مطرح نموده که از مقید بودن آن‌ها حکایت می‌کند.

۲-۳. مجازات

مقنن بنا بر روال سابق، چهار دسته مجازات بر شمرده است. این مجازات‌ها عبارتند از: حبس تعزیری از یک تا سه سال - جزای نقدی از سی سیصد میلیون ریال - جمع دو مجازات فوق. به موجب تبصره ماده ۷۳ علاوه بر مجازات‌های فوق، شهادت کذب، مشمول مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی نیز می‌باشد. مقنن در خصوص اتخاذ مجازات‌ها به تناسب اهمیت جرایم، در قیاس با یک‌دیگر کم‌تر توجه کرده است؛ زیرا در ماده ۷۲ برای جرایم مهمی هم‌چون جعل اسناد و احکام که به موجب ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی مجازات آن تعلیق‌ناپذیر است، مجازات سه ماه تا یک‌سال حبس تعزیری یا جزای نقدی ده میلیون ریال را تعیین نموده، ولی برای جرمی چون شهادت کذب و اظهار نظر خلاف واقع، حبس تعزیری از یک تا سه سال و یا جزای نقدی از سی تا سیصد میلیون ریال تعیین کرده است. اشکال





دیگری که به نظرمی‌رسد، حکم تبصره ماده ۷۳ است؛ زیرا ابتدا برای شاهد کاذب، مجازات تعیین نموده ولی در تبصره، مرتکب را مشمول ماده ۶۴۹ نیز دانسته است. این امری دور از انصاف و عدالت است، مگر این که بدون توجه به واژه «نیز» مندرج در تبصره که مستفاد از آن مفهوم جمع است، مقصود مقنن را این گونه تفسیر کنیم که شاهد کاذب، صرفاً به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. مؤید این برداشت، حکم ماده ۸۱ قانون است که مقرر می‌دارد: چنانچه در خصوص جرایم مذکور در این فصل، مجازات‌های شدیدتری در قوانین دیگر پیش بینی شده باشد، مجازات‌های شدیدتری اعمال خواهد شد.

۳. اقدامات مخل اعتبار بازرگانی و صنفی

به موجب ماده ۷۴، هر کس به قصد صدمه زدن به اعتبار تجاری و حرفه‌ای بنگاه یا شرکت‌ها و یا مدیران یا صاحبان آن‌ها، شکایتی به شورای رقابت یا هیأت تجدید نظر تسلیم کرده باشد که پس از رسیدگی ثابت شود، واهی بوده است، علاوه بر محکومیت به جبران خسارت، به حبس از شش ماه تا دو سال یا به جزای نقدی معادل خسارت وارده یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

۳-۱. رکن مادی:

الف) رفتار فیزیکی

پیکره مادی که عامل تحقق جرم موضوع ماده مزبور است، فعل طرح شکایت واهی در شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر است. منظور از طرح شکایت واهی، هر گونه ادعای غیرواقعی است. واهی بودن دعوا، به ماهیت خلاف واقع بودن خواسته شاکی مربوط می‌شود. واهی بودن دعوی با غیرمحقق بودن ارتباط دارد. اما طرح دعوایی که به دلایل مختلف به نتیجه مورد نظر خواهان منتهی نشود، می‌تواند از مصادیق ادعای واهی نباشد. چه بسا ممکن است خواسته به دلایل دیگری و نه غیرواقعی بودن، نتیجه‌ای در بر نداشته باشد.



ب) شرایط و اوضاع و احوال

برای تحقق جرم مزبور اوضاع و احوالی، ضروری است. این شرایط عبارت است از این که شکایت در مراجع تصریح شده در قانون مطرح شده باشد. این مراجع شامل شورای رقابت یا هیأت تجدید نظر است. لذا طرح دعاوی واهی در دادسرا یا دادگاه‌های عمومی و انقلاب یا مراجع شبه قضایی نظیر هیأت‌های تخلفات و یا کمیسیون‌های ناظر بر روابط کارگری، مشمول این ماده نخواهند بود. افزون بر این جرم، به مورد نظر هم باید رسیدگی شود و واهی بودن شکایت طرح شده ثابت گردد.

ج) نتایج حاصله

با توجه به آثار و نتایج نامطلوبی که طرح چنین دعاوی در فرایند رسیدگی دارند، مقنن آن را به صورت مطلق جرم‌انگاری نموده است، لذا برای تحقق عنوان مجرمانه، نیازی به حصول نتیجه خاصی نیست. هر چند قانون‌گذار شرط ضرری بودن قصد مرتکب را مقرر داشته، تحقق اضرار سهام‌داران، مدیران یا مالکان شرکت‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی را قید نکرده است.

۲-۳. رکن روانی

علاوه بر وجود سوءنیت عام یعنی آگاهی مجرم بر غیرقانونی بودن عمل طرح شکایت واهی نزد شورای رقابت یا هیأت تجدیدنظر، مقنن صریحاً وجود سوءقصد خاص مبنی بر صدمه زدن به اعتبار تجاری و حرفه‌ای بنگاه‌ها یا شرکت‌ها یا مدیرعامل یا صاحبان آن را ضروری دانسته است. لذا مرجع رسیدگی کننده، باید توجه خاصی به ضرورت احراز سوءنیت خاص جرم داشته باشد. گفتنی است که با پیش‌بینی قصد خاص مجرمانه به طریق اولاً وجود و تحقق اراده فرد مجرم شرط است.



کیفرهای مقرر شده برای جرم شکایت واهی، در سه طبقه وضع گردیده است: حبس از شش ماه تا دو سال - جزای نقدی معادل خسارت وارده - جمع دو مجازات اخیر. قانون‌گذار در تعیین جزای نقدی، از یک سیاست واحد بهره نبرده و در برخی موارد، از جزای نقدی ثابت (با تعیین حداقل و حداکثر) و در موارد دیگر از جزای نقدی نسبی بهره برده است: جزای نقدی ثابت یا الزام محکوم‌علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. در شیوه تعیین مجازات نقدی ثابت با تعیین کم‌ترین و بیش‌ترین میزان جرایم نقدی، بیش‌تر خطرناکی جرم و عواقب ناگوار احتمالی آن مدّ نظر قانون‌گذار است نه وضع بزه کار. مهم‌ترین عیب این شیوه، تأثیرپذیری جریمه نقدی از نوسان‌های ارزش پول رایج است (ولدیگی، ۱۳۸۰: ۱۶۹). قانون‌گذار در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، برای رفع این عیب چاره‌ای اندیشیده و در ماده ۸۴ مقرر نموده است که مبالغ جزای نقدی مندرج در این فصل، هر سه سال یک بار، متناسب با رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرف‌کننده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی اعلام می‌کند، با پیشنهاد شورای رقابت و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. اما در مجازات نقدی نسبی که مقنن در این ماده اتخاذ نموده، بزه کار از تلاش برای کسب منفعت ناحق با تعیین جریمه متناسب با عواید ناشی از جرم ناامید گردیده و در حقیقت نوعی فردی کردن مجازات پیشه می‌شود. فردی کردن مجازات، به دوره‌ای مربوط می‌شود که بعضاً آن را دوره «حقوق کیفری لیبرال» نامیده‌اند. جریان مذکور، مجازات‌های ثابت قانون جزای انقلاب فرانسه را زیر سؤال برد (رهامی، ۱۳۸۱: ۸۹). براساس گرایش این مکتب، ابزارها و وسایلی که بر حسب جرایم ارتكابی بزه کاران به کار برده می‌شوند متفاوتند (بولک، ۱۳۸۵: ۳۳). جبران خسارت وارده ناشی از طرح شکایت واهی که به موجب ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، شامل ضرر و زیان‌های مادی می‌شود،





در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است؛ هم چنین منافعی که ممکن الحصول بوده، مدعی خصوصی در اثر ارتکاب جرم، از آن محروم شود و متضرر گردد.

۴. اقدامات ناقض محرمانگی اطلاعات

برابر ماده ۷۵، هر کس که به موجب این فصل، مکلف به حفظ اطلاعات داخلی شرکت‌ها، بنگاه‌ها و یا سایر اشخاص شده، اگر آن را منتشر و یا افشا کند و یا از این اطلاعات به نفع خود یا اشخاص دیگر بهره گیرد، حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از چهل تا چهارصد میلیون ریال یا هر دو مجازات و نیز جبران خسارت ناشی از افشا و یا انتشارات محکوم خواهد شد.

۴-۱. رکن مادی

الف) رفتار فیزیکی

اقدام مجرمانه، در قالب انتشار یا افشا یا بهره‌برداری غیرقانونی اطلاعات به نفع خود شخص یا دیگری صورت می‌گیرد. انتشار به معنای پراکندن (پراکنش) است. بنابراین، نشر عبارت است از: قراردادن اطلاعات در معرض استفاده عموم به شکلی که همگان قادر باشند بدان دست یابند. امکان اطلاع یافتن تعداد بسیار زیادی از مردم، از طریق روزنامه، جراید و نطق در مجامع از اطلاعات موصوفه به انتشار تعبیر شود. افشا هم به معنای برملا کردن و آشکار ساختن محتویاتی است که نباید دیگران از آن مطلع باشند. در افشای اطلاعات، فرد یا افرادی از مفاد آن آگاه می‌شوند که مقصود نبوده‌اند. انتشار و افشای اطلاعات با یک‌دیگر مشابه هستند اما تفاوت آن‌ها در وسعت دامنه شمول است (آقایی نیا، ۱۳۸۶: ۸۹). بهره‌برداری از اطلاعات دیگری، رفتاری است که جرم‌انگاری شده، مشروط به این که انتفاع شخصی در آن لحاظ شده باشد. مرتکب ممکن است شخصاً منتفع شود یا اسباب انتفاع دیگری را فراهم سازد.

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم

به موجب این قانون، برای محقق شدن بزه انتشار، افشا و بهره‌برداری غیرقانونی، مجرم باید مکلف به حفظ اطلاعات داخلی شرکت‌ها، بنگاه‌ها و یا سایر اشخاص





بوده باشد، ولی برخلاف تعهدات قانونی خود اقدام به اعمال مندرج در قانون نماید. به موجب ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، برای همه اشخاصی که به مناسبت حرفه خود محرم اسرار می‌شوند و به صورت غیرقانونی اسرار مردم را افشا می‌کنند، مجازات حبس و یا جزای نقدی تعیین شده است. اما در این‌جا به لحاظ رعایت مفهوم مخالف دستور ماده ۸۱ که قبلاً آن را بررسی کردیم، مجازات ماده ۷۵ اعمال خواهد شد.

ج) نتایج حاصله

با توجه به منطوق ماده، اقدامات و نتایج حاصله به دو دسته قابل تقسیم است: در شق اول، اقدامات باید، به انتشار و افشای عملی اطلاعات یاد شده منجر گردد و در شق دوم، فرد مجرم باید از اطلاعات به نفع خود یا اشخاص دیگر بهره و فایده برده باشد.

۴-۲. رکن روانی

امروزه با توجه به گسترش روزافزون فعالیت‌های اقتصادی، بیش‌تر فعالان حوزه‌های مختلف اقتصادی، سعی دارند با نوآوری و عرضه خدمات و کالاهای جدید و مطلوب به بازار، میزان رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند و از این طریق، منافع بیش‌تری را برای خود کسب نمایند. پر واضح است در بحبوحه این فعالیت‌ها، بسیاری از امور جنبه محرمانه و سری پیدا می‌کنند. لذا مقنن در جهت جلوگیری از افشا و سوءاستفاده از اطلاعات شرکت‌ها، با وضع این ماده، سیاست حمایتی خود را از سلامت رقابت اقتصادی توسعه داده است. هر چند در متن ماده از واژه عمد استفاده نشده، سیاق عبارات قانونی به نحوی است که عمدی بودن جرم را تأیید می‌کند. از این‌رو، مرتکب باید دارای قصد مجرمانه عام برای افشا یا انتشار اطلاعات باشد. وجود قصد مزبور، مستلزم علم مرتکب به اهمیت اطلاعات و محرمانه بودن آن‌هاست. بنابر این مجرم، باید اطلاعات موضوع جرم را شناسایی کند و با آگاهی از مفاد و مضامین آن‌ها، منتشر یا افشا نماید. درک دقیق اطلاعات ضرورت ندارد. ممکن است مرتکب فرمول ترکیبی یک ماده شیمیایی را که برایش مرتکب قابل





فهم نیست، با علم به سری بودن آن‌ها منتشر کند. مجرم باید در اقدامات خود واجد اراده باشد. اشتباه یا بی احتیاطی مرتکب نمی تواند مسئولیت کیفری برای وی داشته باشد. مضافاً این که مقنن آشکارا لزوم وجود و تحقق قصد خاص انتشار و یا افشا و سوء استفاده از اطلاعات را از جمله شرایط تحقق جرم دانسته است.

۲-۳. مجازات

مقنن بنا بر رویه سابق، اقدام به تعیین چهار قسم مجازات نموده است: حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال - جزای نقدی از چهل تا چهارصد میلیون ریال - جمع دو مجازات فوق - جبران خسارت ناشی از افشا و یا انتشار اطلاعات. ولی دقیقاً مشخص نیست که چرا مقنن، شق جبران خسارت را برای بهره برداری از اطلاعات، به نفع خود یا دیگری را پیش بینی نکرده است. نکته دیگر این که چرا در ماده ۷۴، از جزای نقدی نسبی استفاده نموده ولی به فاصله دو ماده بعدی از جزای نقدی ثابت استفاده کرده است؟

۵. سوء استفاده های تابعان قانون

به موجب ماده ۷۶، هر یک از اعضای شورای رقابت، اعضای هیأت تجدید نظر و کارکنان مرکز ملی رقابت و هم چنین هریک از حقوق بگیران آن‌ها و اشخاص طرف قرارداد آن‌ها و نیز هر شخص دیگری که از مقررات این قانون برای ضربه زدن به منافع مالی یا اعتبار تجاری و حرفه ای اشخاص حقیقی یا حقوقی سوء استفاده کند، علاوه بر جبران خسارت، به حبس تعزیری از سه تا پنج سال یا جزای نقدی از پنجاه تا پانصد میلیون ریال محکوم می شود.

۵-۱. رکن مادی

الف) رفتار فیزیکی

این جرم با توجه به اطلاق واژه سوء استفاده، دو مقوله فعل و ترک فعل را شامل می گردد. ولی مناسب بود که به جای واژه مبهم سوء استفاده، از واژگان صریح تر استفاده می گردید که دلالت معنایی آن، دقیق تر بود.





ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم

مقنن با توجه به متن ماده، شرایط وضعیت‌هایی را لازم دانسته از قبیل این که فرد مجرم یکی از اعضای شورای رقابت، اعضای هیأت تجدید نظر و کارکنان مرکز ملی رقابت و... باشد. لذا افراد خارج از عناوین مندرج در قانون، حتی اگر این افعال را انجام دهند، مشمول نخواهند بود. یا اینکه فرد و یا افراد خاطی، در جهت ضربه زدن به منافع مالی یا اعتبار تجاری و حرفه‌ای اشخاص، باید از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی سوءاستفاده نماید. لذا سوءاستفاده از سایر قوانین در جهت اهداف ذکر شده از شمول این ماده خارج است و نیز اغراض و اهداف مجرم هم از لحاظ سنخ و ماهیت مشخص گردیده است.

صلوات بر ریش حقوقی و انکسار فقر

ج) نتیجه حاصله

مقنن در جهت پیش‌گیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، هرگونه اقدامی را که به سوءاستفاده عملی از قانون، ضربه زدن به منافع مالی یا اعتبار تجاری و حرفه‌ای اشخاص حقیقی یا حقوقی منجر شود، جرم دانسته است، لذا جرم یاد شده به صورت مقید است.

۵-۲. رکن روانی

اشخاص مرتبط با اجرای این قانون و استفاده‌کنندگان دیگر، در صورتی که در جهت امیال غیرقانونی خود با اشراف به ماهیت مجرمانه اقدامات خود، به فعالیت‌هایی دست بزنند و که باعث ضربه زدن به منافع مالی یا اعتبار تجاری و حرفه‌ای اشخاص حقیقی و یا حقوقی گردد، مجرم شناخته می‌شوند. مرتکب باید این اقدامات را با علم و اراده انجام داده باشد؛ زیرا جرم از جرایم عمدی محسوب می‌شود و الا فاقد مسئولیت است. مقنن برای تحقق این ماده، باید علاوه بر وجود سوءنیت عام، وجود قصد خاص یعنی ضربه زدن به منافع یاد شده را که به سوءاستفاده درعمل گردد، تصریح کند. وجود هرگونه انگیزه شرافت‌مندانه نزد بزه‌کار، می‌تواند قاضی را به اعمال تخفیف یا تبدیل مجازات مجاب نماید.



۳-۵. مجازات

مجازات پیش بینی شده برای مرتکب در صورت تحقق جرم به این شرح است: حبس تعزیری از سه تا پنج سال - جزای نقدی از پنجاه تا پانصد میلیون ریال - جمع دو مجازات اخیر. علاوه بر مسئولیت کیفری، مقنن به مسئولیت مدنی بزه کار هم اشاره کرده است. از این رو، در ماده ۷۶ الزام مرتکب به جبران خسارت بزه دیده نیز مقرر شده است.

۶. جلوگیری از تحقیقات و بازرسی (ایجاد اختلال در تحقیق و بازرسی)

به موجب ماده ۷۸، هر کس که به هر شکلی مانع از تحقیقات و بازرسی مأموران مرکز ملی رقابت شود، به جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد گردید و در ادامه مانع تراشی به ازای هر روز، مبلغ یک میلیون ریال به جزای نقدی تعیین شده اضافه خواهد شد.

۶-۱. رکن مادی

الف) رفتار فیزیکی

جلوگیری از تحقیقات و بازرسی مأموران مرکز ملی رقابت، رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این عنوان مجرمانه است. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که علی رغم استفاده مقنن از قید «هر شکل»، صرفاً اقداماتی که رابطه عقلی و عرفی با جلوگیری از انجام دادن عمل مأموران دارد، مورد نظر بوده است. لذا مثلاً اگر فردی در حضور مأموران، دعا نماید که مأموران به انجام دادن تحقیقات موفق نگردند و تصادفاً این امر محقق شود، نمی تواند مصداق این ماده باشد.

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم

اقدامات شخص ایجاد کننده مانع، لزوماً باید در قبال و برابر مأموران مرکز ملی رقابت باشد. نکته ای که باید به آن توجه شود، این است که مأموران یاد شده باید در حین وظایف محوله باشند و حدود و مقررات قانونی را رعایت نمایند. عدم هم کاری با مأموران یا در اختیار نگذاشتن اسناد و مدارک موضوع بازرسی، از مصادیق مانع محسوب می شود.





ج) نتایج حاصله

مقنن با توجه به این که صرف جلوگیری از تحقیقات و بازرسی مأموران، می تواند اختلال جدی در فرایند یاد شده باشد، جرم مذکور را به صورت مطلق جرم انگاری کرده و حصول نتیجه خاصی را تعیین ننموده است.

۲-۶. رکن روانی

عمل بازرسی و تحقیقات مراجع ذی صلاح، می تواند نقش مهمی در سلامت فضاهای کسب و کار و اقتصادی داشته باشد. اما متأسفانه برخی افراد سودجو با اغراض و انگیزه های مادی، از انجام دادن وظیفه مأموران جلوگیری می نمایند. افرادی که مرتکب این امور می گردند، باید به این مسأله وقوف داشته باشد که این عمل، نقض قانون موضوعه لازم الاجرا محسوب می شود. گفتنی است مقصود از اشراف، این نیست که دقیقاً به اجزا و زوایای قانون آگاهی داشته باشد، بلکه علم اجمالی فرد به وجود قوانینی که اقدام به حمایت و وضع ضمانت اجرا برای حفاظت از ارزش های مطلوب جامعه و مقنن می کنند، برای تحقق این شرط کافی است. علاوه بر این، فرد باید به دور از هر گونه اجبار و اکراه اقدام کند. قصد خاص مجرم از اعمال مجرمانه باید جلوگیری از تحقیقات و بازرسی باشد، لذا اگر فردی با مقاصد دیگری به این کار اقدام نماید، مشمول این ماده نخواهد بود.

۳-۵. مجازات

کیفرهای تعیین شده برای جرم یاد شده در دو قالب، جزای نقدی ثابت و نسبی است: جزای نقدی پنج تا بیست میلیون ریال - در صورت ادامه مانع تراشی به ازای هر روز مبلغ یک میلیون ریال به جزای نقدی تعیین شده اضافه خواهد شد. نکته ای که در مورد بند اخیر وجود دارد، این است که ادامه مانع تراشی در چه مرحله ای شامل این موضوع است؟ در کدام یک از مراحل کشف جرم، تعقیب، تحقیق یا صدور کیفر خواست، رسیدگی و یا صدور حکم قطعی لازم الاجرا یا اجرای حکم، به مجازات او اضافه خواهد گردید؟ به نظر می رسد پاسخ این سؤال، در پایان ماده داده شده است. در قسمت انتهایی ماده ۷۸، مقرر گردیده که به ازای هر روز مانع تراشی، مبلغ یک میلیون ریال به «جزای نقدی تعیین شده» اضافه خواهد شد. این حکم با ابهاماتی روبه رو است. با توجه به این که جلوگیری از بازرسی و تحقیقات،





ممکن است از جرایم استمرار یافته باشد، در این حالت اگر مقصود مقنن ادامه جلوگیری در حین دادرسی باشد، به منطق نزدیک تر است. لذا مقصود مقنن، به مرحله صدور حکم لازم الاجرا مربوط شود که هنوز اجرا نگردیده است. چنانچه جلوگیری و اخلال بعد از اجرای حکم باشد، مورد مشمول تکرار جرم خواهد بود و از مواردی است که می تواند باعث تشدید مجازات گردد.

نتیجه

گرایش به اقتصاد آزاد و تقویت بخش های اقتصادی غیردولتی و نهادهای رقابتی، امروز به عنوان یک استراتژی عام و فراگیر، در دستور کار برنامه ریزان کلان اقتصاد اغلب کشورها قرار دارد. قانون موسوم به اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز با اتخاذ چنین رویکردی، اقدام به تأسیس و پیش بینی نهادها و ملزوماتی در این زمینه نموده است. افزون بر این، نهادها و سازمان های بین المللی نیز به طرقی از قبیل تصویب کنوانسیون ها و اعطای امتیازات، سعی در جهت دهی اقتصاد کشورها به سمت و سوی اقتصاد خصوصی دارند. با توجه به اهمیت مقوله نظارت و حفظ نظم و امنیت در حوزه های اقتصادی، قانون یاد شده نهادی مستقل و ناظر به عنوان شورای رقابت نموده که می تواند در تضمین اهداف یاد شده بسیار مؤثر باشد. در بررسی عناصر تشکیل دهنده جرایم و مجازات های تعیین شده، مشخص گردید که به برخی از اصول حقوقی توجه چندانی نشده است، از قبیل استفاده فراوان از حبس های کوتاه مدت و عدم تناسب برخی از مجازات ها و جرایم تعیین شده و اعمال مجازات های مضاعف که می طلبد مقنن با بازنگری در مواد یاد شده، یک سیاست جنایی منسجم و منطبق با موازین علمی در قبال این گونه جرایم برگزیند. قطعاً در این راه، استفاده از نظریات حقوق دانانی که در حوضه های حقوق اقتصادی فعالیت می کنند و استفاده از تجارب نظام هایی که در اتخاذ حقوق کیفری رقابت پیش قدم بوده اند، می تواند مؤثر باشد.

منابع

۱. آقا زاده، هاشم، ۱۳۸۶، «بررسی مؤلفه های مؤثر بر رقابت پذیری بنگاه ها در ایران»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم.





۲. آقای نیا، حسین، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران، چاپ دوم، انتشارات میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی، تهران، چاپ اول، انتشارات میزان.
۴. _____، ۱۳۷۲، جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ش ۱۱ و ۱۲.
۵. بولک، برنارد، ۱۳۸۵، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی، تهران، چاپ پنجم، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۶. پاکدامن، رضا، ۱۳۷۴، جنبه‌های کاربردی خصوصی سازی، تهران، چاپ اول، ناشر مجمع علمی فرهنگی مجد.
۷. پرکوپنکوف، ژوزف، ۱۳۸۰، مدیریت خصوصی سازی، تهران، چاپ اول، ناشر مجمع علمی فرهنگی مجد.
۸. پور بافرانی، حسین، ۱۳۸۱، «بررسی ترک فعل در جرم قتل»، ماهنامه دادرسی، ش ۵۲.
۹. خلیلی عراقی، منصور، ۱۳۸۵، بهره‌وری و کارایی در اقتصاد ایران و رابطه آن با مخارج دولت، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، ش ۷۴.
۱۰. رحیمی بروجردی، علیرضا، ۱۳۸۵، خصوصی سازی، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. رهامی، محسن، ۱۳۸۱، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، چاپ اول، نشر میزان.
۱۲. شومپتر، ژوزف، ۱۳۷۵، کاپیتالیسم، سوسیالیسم، دموکراسی، ترجمه حسن منصور، تهران، چاپ دوم، نشر مرکز.
۱۳. صادقی، حسین، ۱۳۸۵، بررسی اثرات تمرکز زدایی مالی بر کنترل فساد، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ش ۸۵.





۱۴. صادقی، حسین، ۱۳۸۴، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ش ۶۸.
۱۵. طاهری نسب، سیدیزدالله، ۱۳۸۱، تعدد و تکرار در حقوق جزا، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشور.
۱۶. عامری، فیصل، ۱۳۸۹، حقوق رقابت و توسعه، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰.
۱۷. فوران، جان، ۱۳۷۸، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، چاپ دوم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۸. قیاسی، جلال‌الدین، خسروشاهی، قدرت‌الله، ساریخانی، عادل، ۱۳۸۹، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه ج ۱، قم، چاپ سوم، انتشارات پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه.
۱۹. کمیجانی، اکبر، ۱۳۸۸، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران، پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره ۳.
۲۰. متوسلی، محمود، ۱۳۸۵، «کارکرد اقتصاد بازار در حل بیگاری ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، ش ۷۳.
۲۱. محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، تهران، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۲۲. مشیری، سعید، ۱۳۸۹، «خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی یک مطالعه بین کشوری»، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، ش ۸۵.

23. Booth, E. Marilyn & Philip, George Technology, 1998, Competitiveness: The Case For Reconfigurable & Flexible Strategies; Journal Of Business Research, vol 41.
24. United Nation Convention against Corruption 2003.
25. Alchian, A. & H. Demisetz, 1973, Production Information cost & economic, Review 62.
26. Buckley, P. J. , Pass, C. L. & Prescott, K, 1988, Measures Of International Competitiveness: A Critical Survey, Journal Of Marketing Management, No2.
27. Ehrich, I, 1981, Participation in Criminal Activities a theoretical an empirical Investigation, Journal of Political Economy.



28. Hartley, f Economics and knowledge, 1949, Individualism and Economic Order. London: Routledge & Keganpaul.
29. <http://Africa-union.org>
30. Kay. J-A. & D. J Thompson, 1989, Privatization A policy in Search of A rational ,The Economic journal. Vol 96, March.
31. Khan, M. & C. Rinehart, 1990, Privative in Vestment and Economic, Growth Process in Developing Countries, World Development, vol 8.
32. Moon, H. Chang, Rugman, Verbek, 1988, A generalized double diamond approach to the global competitiveness of Korea & Singapore; International Business Review, Vo 17.
33. North. D, 1990, Institution all Changes and Economic Performance (New York: Cambridge University Press.
34. United Nation Convention Against Transnational Organized Crimes 2000.
35. Valente, 1984, Carlf (F. & Ladiad. Mancheter (Rethinking, Local Series Examining, Alternative Delivery Approaches, Management Information Service Socials Report, No 12.
36. Websites: <http://www.un.org>.
37. Yarrow, G, 1998, (A Theory of Privatization: An Economic Analysis. Cambridg e, MA: MIT press.



صلوات پروردگار متعالی را بفرستد

